

اصول تجاری برای مقابله با رشوه خواری

قسمت دوم

چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو:

MENA به طور انکارناپذیری با چالش‌های فراوانی در مقابله با رشوه خواری روبه‌رو است، زیرا فساد در نظام‌های سیاسی و اقتصادی منطقه بسیار ریشه‌دار است. درعین حال، MENA دارای فرصتی منحصر به فرد برای مقابله با مشکلات فساد و حاکمیت ضعیف است. تا امروز، اکثر تلاش‌های ضدفساد از دولت و از جنبه تقاضای مسئله ناشی شده است. به بخش خصوصی و به جنبه عرضه فساد توجه کافی نشده است. به همین خاطر است که یک تلاش هماهنگ پایین به بالا از سوی فعالین جامعه تجاری، نظیر کاربرد اصول تجاری برای مقابله با رشوه‌خواری فوق‌العاده مهم است.

اصول تجاری تلاش می‌کند تا ارزش‌های شفافیت و مسوولیت‌پذیری را در فرهنگ تجاری سراسری آهسته آهسته القا کند. CIPE با سازمان‌های بخش خصوصی در MENA همکاری می‌کند تا این اصول را عمومیت بخشند و دریچه‌ای را برای ارتقای اصلاحات گسترده حاکمیت ایجاد کنند.

مثلاً در سال 2007، سه کارگاه منطقه‌ای در بحرین، اردن و مراکش برگزار شد که اصول تجاری به عنوان موضوع اصلی بحث بود. درس‌هایی که از این کارگاه فراگرفته شدند بر چالش‌ها و فرصت‌های مربوط به تلاش‌های اصلاحات حاکمیتی در منطقه تاثیر گذاشتند.

استقرار اصول تجاری برای مقابله با رشوه‌خواری در محیط MENA

انجمن شفافیت لبنانی (LTA) یک بخش محلی از انجمن بین‌المللی شفافیت است. LTA با حمایت CIPE و مشارکت کارگروه بنگاه داری لبنان تلاش نمود تا اصول تجاری برای مقابله با رشوه خواری را متناسب با نیازهای کشور لبنان ترجمه و تفسیر نموده و با آن شرایط منطبق سازد. نسخه عربی اصول تجاری در سال 2004 منتشر شد. فعالیت ترجمه فراتر از برگرداندن متن اصلی به زبان محلی بود. در واقع، LTA به جای یک ترجمه تحت‌اللفظی کار خود را بر انتقال مفاهیم و مفهوم‌سازی اصول تجاری متمرکز نمود. برای دستیابی به اطلاعات بیشتر به سایت روبه‌رو مراجعه کنید :

www.transparency-lebanon.org

اولویت‌های مختلف در کشورهای مختلف

دستور کار و روش کلی مقابله با فساد امری جهانی است. این کار مستلزم اصلاح محیط سازمانی به گونه‌ای است که انگیزه‌های ارتکاب رفتار فاسد در هر دو سوی عرضه و تقاضا مرتفع و برطرف شوند. در طرف تقاضا، هدف اصلی آن است که توانایی مسوولان عمومی برای گرفتن رشوه‌ها و قدرت‌های سوء استفاده کننده محدود شود. در طرف عرضه، هدف آن است که توانایی شرکت‌های تجاری برای درگیری‌شدن در فساد محدود گردد. نیازها و اولویت‌های خاص می‌توانند در محدوده این چهارچوب کلی متفاوت باشند. در منطقه MENA، مغرب، کشورهای شرق مدیترانه، یا کشورهای خلیج فارس اولویت‌های مختلفی در مبارزه با فساد دارند. در نتیجه یک رویکرد «یکسان برای همه» برای حمایت یا اولویت دادن به اصلاحات خاص، موثر و کارآمد نیست. هر کشوری باید دقیقا مشخص کند که کدامیک از نهادهای آن سرمنشاء اصلی فساد هستند و چگونه اصلاحات اولویت‌بندی می‌شوند. مسئله حیاتی آن است که صرف نظر از روش و اقدامات در نظر گرفته شده، مشارکت افراد ذینفع محلی در پائین‌ترین سطوح، از جمله جامعه تجاری و سازمان‌های جامعه مدنی از اهمیت اصلی برخوردار است. اقدامات دولتی بالا به پایین یا راه‌حلهایی که از غرب به طور کلی وارد می‌شوند بعید است که اعتماد و حمایت عمومی را دربرداشته باشند، زیرا اغلب به عنوان تحمیل‌هایی تلقی می‌شوند که ریشه‌ای در واقعیات محلی ندارند.

سیاست زدایی معضل فساد

اغلب اوقات، بحث‌های مربوط به فساد به نزاع‌های بی‌فایده‌ای منجر می‌شوند که ناشی از غرور ملی و عدم تمایل یک کشور برای پذیرش این موضوع است که مشکلات فساد در آن جا ممکن است از همسایگانش بدتر باشد. کشورهایایی که فساد در آنها تقریبا بسیار گسترده است احساس جدامانندگی می‌کنند و حتی اگر درک کنند که فساد تا چه اندازه زیان‌بار است، هنوز هم از اشاره به این موضوع آزرده خاطر می‌شوند. از نظر تئوری، برجسته کردن کمبودهای یک کشور خاص می‌تواند روح رقابت را بیدار کند و آن کشور را برانگیزاند تا به سختی تلاش کند تا فساد را کمتر کند، ولی در عمل، احساس رنجش‌خاطر، اغلب قوی‌تر عمل می‌کند و جلوی پیشرفت سازنده را می‌گیرد. این امر به طور خاص در MENA روی می‌دهد، جایی که بحث آزادانه درباره موضوع فساد همچنان تا حد زیادی به صورت یک ممنوعیت فرهنگی باقی مانده است.

بهمین علت است که مجریان اقدامات ابتکاری موفق در این منطقه، باید آگاه باشند که فساد موضوع حساسی است و سعی کنند تا آن را غیرسیاسی سازند. انتقاد

از یک سیستم خاص یا نهاد در برخی از کشورها به احتمال زیاد باعث طغیان های دفاعی به جای خویشتن نگرانی های هدفمند می گردد. بنابراین مفیدتر خواهد بود اگر بحث درباره موضوعاتی مانند رشوه خواری، در قالب "ایجاد روح امانت داری" و "بهبود حاکمیت" مطرح شود. این روش باعث می شود با رشوه خواری به عنوان یک مشکل ساختاری و نه یک مشکل سیاسی برخورد شود و از زدن برچسب بدنامی و فساد اجتناب گردد.

فساد به عنوان یک مشکل سازمانی

هنگام درگیر کردن بخش خصوصی در موضوعات فساد، اصلاح طلبان نباید تاکید زیادی روی اصول اخلاقی بگذارند. اکثر شرکت های تجاری در MENA معتقدند که بخش دولتی در کشورهای آنها سردمدار فساد است. توقعات و سخت گیری نسبت به یک شرکت خصوصی در مقایسه با ماموران بخش دولتی بالاتر است: اگر شرکتی به خاطر فساد مجازات شود ممکن است مجبور شود از تجارت خارج شود، در حالی که فساد در بخش عمومی اغلب با بخشودگی صورت می گیرد. تعجیبی ندارد که شرکت های تجاری مشتاق هستند تا ادعا کنند زمینه اخلاقی بالاتری دارند و فقط دولت را به خاطر فساد سرزنش نمایند.

اما طرح موضوع سرزنش و اتهامات فساد تجاری بین دولت ها و شرکت های تجاری روش سازنده ای نیست. آنچه که مورد نیاز است رسیدن به یک نظر واحد و تأیید مشترک این مطلب است که فساد گسترده، بیش از هر چیزی نشانگر نقصان و عدم توفیق سازمانی است و نه مسئله ای مربوط به اخلاق شخصی و انفرادی. به جای پرداختن به فساد به عنوان موضوعی اخلاقی، باید آن را به عنوان مسئله ای سازمانی در نظر گرفت که هزینه های اضافی را بر کسب و کار تجاری تحمیل می کند، کارایی را پایین می آورد، توسعه را دچار وقفه می کند و در کل به جامعه آسیب می رساند. در نتیجه، القای تدریجی ولی قطعی فرهنگ امانت داری باید با اصلاحات سازمانی شروع شود که هدفشان برطرف کردن انگیزه های رفتار فاسد در هر دو سوی عرضه و تقاضا است. اصلاح محیط سازمانی

شناخت این موضوع که فساد عمدتاً یک مساله سازمانی است، اصلاح ساختار سازمان هایی را که رفتار فاسد را تسهیل می کنند در پی خواهد داشت. دولت ها باید بر اصلاح آن زیرساخت های قانونی تمرکز کنند که فرصت هایی را برای بروز فساد ایجاد می کنند، از جمله قوانین و مقررات مبهم، قوانین مال یاتی بسیار پیچیده و اختیارات بیش از حدی که بدون نظارت مناسب به مقامات عمومی داده می شوند. همچنین

دولت‌ها باید خریدهای دولتی را که یکی از منابع اصلی فساد در سراسر دنیا هستند، شفاف‌تر و مقید به روش‌های کاملاً روشن و مشخص نمایند. بالاخره، دولت‌ها باید به سختی تلاش کنند تا تعادلی سالم بین قوانین ضدفساد و قوانین رفتاری داوطلبانه ایجاد کنند. در تنگنا قرار دادن شرکت‌های تجاری توسط قوانین متعدد و سخت ضدفساد ممکن است نتیجه معکوس و ضدسازنده داشته باشد و در نهایت حاکمیت قانون را تضعیف کند، زیرا شرکت‌های تجاری تاب بار بیش از حد را نمی‌آورند و امکان هماهنگ شدن با آن را ندارند. گذشته از ایجاد یک محیط تجاری قانونمند که کمتر مستعد فساد باشد، مکانیزم‌های کاربرد و اجرا نیز اهمیت به سزایی دارند. انطباق باید از طریق ناظران مستقل و یک نظام حقوقی معتبر که بتواند تضمین کند هیچ کس بالاتر از قانون نیست، تضمین شود.

توجه خاص به شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEها) مبارزه با رشوه خواری غالباً برای اکثر شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEها) سخت است. آنها آسانترین شکار ماموران فاسد هستند و اکثر آنها به قدری به فساد عادت کرده‌اند که آن را بخش "ضروری" انجام کسب و کار تجاری می‌دانند و مکانیزم‌هایی را ایجاد کرده‌اند تا در فعالیت‌های روزمره خود به آن بپردازند.

اصول پیشنهادی ضد رشوه‌خواری برای شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEها)

- 1- ما کسب و کار تجاری خود را به طور منصفانه، صادقانه و بی‌پرده انجام خواهیم داد. (مثال: شرایط پرداخت شفاف، ثبت‌های روشن و درست)
- 2- ما رشوه نمی‌دهیم و ارائه رشوه به نیابت از خود را برای برخورداری از یک منفعت تجاری مورد تأیید و اغماض قرار نمی‌دهیم. (مثال: هیچ رشوه‌ای توسط کارگزاران پرداخت نمی‌شود)
- 3- ما رشوه نمی‌پذیریم و به بهانه اعمال نفوذ بوسیله شرایط داد و ستد با پذیرش رشوه به نیابت از خود نیز توافق نمی‌کنیم. (مثال: مدیریت دقیق پرداخت‌های کمیسیون)
- 4- ما از کسب و کار تجاری با افرادی که ارزش‌های ما را نمی‌پذیرند و افرادی که به شهرت ما آسیب می‌رسانند اجتناب می‌کنیم. (مثال: انتخاب دقیق شرکای تجاری)
- 5- ما برای اجتناب از رشوه‌خواری مستقیم و غیرمستقیم، و حمایت و حفاظت از ارزش‌های خود، فرآیندهای مخصوص به خود را طراحی می‌کنیم. (مثال: فرآیند ویژه برای مواجهه با هدایا و مهمانی‌ها)

- 6- ما تعاملات شرکت را بطور واضح و به روز به ثبت می‌رسانیم . (مثال: ثبت تصمیماتی در زمینه ارائه بخشش‌ها یا چگونگی مواجهه با تقاضای رشوه یا تضاد منافع)
- 7- ما از اینکه تمام افراد شاغل در شرکت ما و شرکای تجاری‌مان از اصول ما مطلع هستند، اطمینان حاصل می‌کنیم . (مثال: ارتباط و آموزش مناسب، رد هرگونه بهانه و توجیه مبنی بر عدم اطلاع)
- 8- ما به طور منظم برنامه خود و فرآیندهای موردنیازمان را بررسی و به روز می‌کنیم. (مثال: درس گرفتن از تجربه‌ها و ایجاد شبکه ارتباطی با دیگران)
- 9- ما این اصول را حتی وقتی که سخت باشند حفظ می‌کنیم. (مثال: عدم توسل به پرداخت‌های تسهیل‌کننده امور) منبع: اصول تجاری برای مقابله با رشوه خواری- چاپ SME

چالش مربوط به ایجاد تغییر در بخش SME آن است که طرز تلقی رایج در بین این شرکت‌ها را معکوس ساخته و به مالکان شرکت‌های تجاری کوچک توضیح داده شود که رشوه‌خواری تا چه اندازه به شرکت‌های آنها آسیب می‌رساند. رشوه‌خواری، گذشته از هزینه‌های مالی فوری، باعث کاهش اعتبار می‌گردد و دستیابی به سرمایه مالی و سرمایه‌گذاری جدید را مشکل می‌سازد، کنترل تصمیمات تجاری را از دست مالکان خارج می‌سازد و ریسک جریمه شدن و مورد پیگرد قانونی قرار گرفتن را افزایش می‌دهد.

در چاپ SME اصول تجاری برای مقابله با رشوه‌خواری از مثالهای عملی استفاده می‌شود تا به شرکت‌های کوچک نشان داده شود که فساد اجتناب‌ناپذیر نیست - فساد یک انحراف است و یک هنجار در نحوه عملکرد شرکت‌های تجاری نیست. با توجه به اینکه SME ها مجری اکثر استخدام‌های بخش خصوصی در MENA هستند، لزوم تمرکز و جهت‌دهی فعالیت‌های ضدفساد بر این شرکت‌ها از الویت برخوردار است . این تمرکز خاص بر SME ها همچنین حاکی از نیاز کنونی برای تمایز قائل شدن بین انواع مختلف شرکت‌ها (از قبیل شرکت‌های با مالکیت خانوادگی و شرکت‌های تحت مالکیت دولت) در تلاش‌های ضدفساد و همچنین متناسب ساختن اصول تجاری با نیازهای هر گروه است.

دیالوگ بین بخش تجاری و جامعه مدنی

یک مانع عمده در بحث سازنده درباره فساد در MENA یک عدم ارتباط آشکار بین جامعه تجاری و سایر بخش‌های جامعه مدنی است . نگرش‌های اکثر جوامع مدنی و گروه‌های محافظ و همچنین دانشگاهیان تحت تاثیر میراث سوسیالیستی منطقه است

که شرکت های تجارتي را به عنوان مرتکبين فساد به تصوير مي کشد به جاي آنکه آنها را شرکاي مبارز بر عليه فساد معرفي نمايد . سازمان هاي غيردولتي (NGOها) و فعالان جامعه مدني بايستي به اين شناخت نائل آيند که تلاش هاي ضدفساد حق محفوظ و انحصاري آنها نيست. در واقع براي رسيدگي به معضل فساد، مشارکت جامعه تجاري یک ضرورت است و بايد بخش جدائي ناپذير هر تلاشي باشد تا راي دهندگان ضدفساد و حاميان تغيير را تجهيز و آماده نمايد.

بخش خصوصي و جامعه مدني نيروهاي خود را در تلاش هاي ضدفساد متحد مي سازند کنفدراسيون عمومي شرکت ها در مراکش (CGEM) بزرگترين انجمن تجاري بخش خصوصي مراکش است که نزديک به 2000 عضو دارد و حدود 70 درصد آنها شرکت هاي کوچک و متوسط هستند. به منظور تقويت شفافيت و مسئوليت پذيري در اقدامات تجاري، CGEM با ساير طرف هاي ذينفع بخش عمو مي و خصوصي فعالانه همکاري کرد تا مجموعه قوانين و روش هاي بنگاه داري را براي شرکت هاي مراکشي طراحي و ايجاد نمايد.

اين مجموعه قوانين در مارس 2008 منتشر شد. CGEM همچنين با CIPE و سازمان شفافيت بين المللي همکاري نمود تا همکاري بين انجمن هاي تجاري و ساير بازيگران جامعه مدني را در زمينه مبارزه با فساد تقويت نمايد . چنين همکاري بين جامعه تجاري، آژانس هاي دولتي و جامعه مدني باعث افزايش اعتماد مي شود و به سازماندهي حمايت مردم عادي و سطوح پايين از مبارزه با فساد کمک مي کند.

یک نکته مهم که در اينجا مطرح مي شود اين است که همه شرکت هاي تجاري علاقه مند به ملحق شدن به ائتلاف هاي ضدفساد نيستند. با توجه به اينکه نخبگان تجاري اغلب با نخبگان سياسي گره خورده اند، حدود منافع مشخص آنها ممکن است حفظ وضعيت موجود را القا نمايد. به همين ترتيب، اکثر ماموران بخش دولتي کمتر علاقه مند به مبارزه با فساد هستند چراکه خودشان از آن نفع مي برند . اما اين امر دليل کافي براي حقير شماردن احتمال همکاري بين بقيه جامعه تجاري و جامعه مدني نيست . قدرت با اکثريت است. از آن جايي که اکثر شرکت هاي تجاري در MENA کوچک هستند، پيوستن نيروها به سازمان هاي جامعه مدني است که باعث جلب توجه به برنامه مبارزه با فساد مي شود. چنين تلاش هاي مشترکي مي توانند مؤکد اين حقيقت باشند که مقاومت در برابر اصلاحات از طرف نخبگان سياسي و اقتصادي، باعث تضعيف شکوفايي کل جامعه مي گردد.

ابزار های ضد فساد بخش خصوصی

اولین گام در تلاش های ضدفساد در MENA باید با متقاعد ساختن شرکت ها به این امر انجام شود که بهبود روش های بنگاه داری دارای یک معنا و مزیت تجاری است، اگرچه محیط اجرایی آنها همواره حامی روش های بنگاه داری صحیح نیست. نشان دادن اینکه اخلاق تجاری و کارآیی اقتصادی دو روی یک سکه هستند می تواند انگیزه و دلیل قدرتمندی برای شرکت های تجاری باشد تا اقدامات ضد فساد را جدی بگیرند. ایجاد راه‌حلهایی برای مبارزه با فساد کافی نیست: شرکت‌ها لازم است ابزاری واقعی و درست برای انجام این کار داشته باشند. اصول تجاری برای مقابله با رشوه خواری، پاسخ‌های فراوانی را ارائه می‌دهد. از طریق ایجاد روش های بنگاه داری بهتر و شهروندی سازمانی مسئولیت‌پذیرتر، ابزارهای بیشتری به دست می‌آیند، زیرا شرکت‌هایی که بطور مناسب اداره می‌شوند فرصت برای رفتار فاسد در داخل شرکت را کاهش می‌دهند. سازمان‌های بخش خصوصی مانند انجمن های تجارت داوطلبانه و اتاق های بازرگانی دارای نقش مهمی در کاربرد این ابزار ضدفساد هستند. آنها به طور منحصر به فرد در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند توافق نظر گسترده ای را برای اصلاحات ایجاد کنند، چراکه آنها به عنوان صدای جامه تجاری به بهترین نحو قادرند مشخص سازند که چرا مبارزه با فساد مهم است. آنها همچنین کمک می‌کنند تا بر مقاومت در مقابل اصلاحات غلبه شود. در حالی که برای شرکت های منفرد مقاومت در برابر مقامات دولتی فاسد سخت است، انجمن های تجاری و اتاق های بازرگانی می‌توانند در گردآوری و سازماندهی منابع و دانش ضروری برای ایجاد تغییر، موثرتر عمل کنند.

اصلاحات ضدفساد با خود چه چیزی به همراه دارند؟

طی دهه اخیر MENA به صورتی مثبت تحت تاثیر موج توجه جهانی به موضوعات ضدفساد قرار داشته است. یک مثال آن کنوانسیون OECD درباره مقابله با رشوه‌خواری مقامات دولتی خارجی در معاملات تجاری بین المللی است که در سال 1999 لازم الاجرا شد. طبق تعریف این کنوانسیون، رشوه خواری عبارت است از "یک پدیده گسترده در معاملات تجاری بین المللی، از جمله تجارت و سرمایه گذاری، که نگرانی های جدی سیاسی و اخلاقی را موجب می‌شود، روش های مناسب بنگاه داری و توسعه اقتصادی را تضعیف می‌نماید، و شرایط رقابتی بین المللی را مختل می‌کند." اگرچه هیچ کشور MENA امضاکننده این کنوانسیون نیست، با این وجود این کنوانسیون شرکت های

بین‌المللی را که در این منطقه به تجارت مشغول هستند و نژاد هم‌تایان محلی آنها را وادار می‌سازد تا با رشوه‌خواری مقابله کنند.

یک توافق بین‌المللی مهم دیگر کنوانسیون سازمان ملل علیه فساد (UNCAC) می‌باشد. این توافق در سال 2003 توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و تاکید می‌کند که "مشکلات و تهدیدهای ناشی از فساد برای ثبات و امنیت جوامع جدی هستند، چراکه بنیادها و ارزش‌های دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت را تضعیف می‌کنند و توسعه پایدار و حاکمیت قانون را به مخاطره می‌اندازند." چند کشور MENA این کنوانسیون را تصدیق و تصویب نموده‌اند: الجزایر، جیبوتی، مصر، اردن، کویت، لیبی، مراکش، قطر و امارات متحده عربی و یمن. سایر کشورهای یعنی بحرین، ایران، عربستان سعودی، سوریه و تونس این کنوانسیون را امضا کرده‌اند اما تاکنون آن را تصدیق و تصویب ننموده‌اند. دولت عراق اولین گام‌ها را به سمت آنکه امضاکننده آن باشد برداشته است.

توافقات بین‌المللی مانند کنوانسیون OECD یا UNCAC این حقیقت را به طور برجسته مطرح می‌سازند که فساد فقط یک مشکل محلی نیست، بلکه پدیده‌ای فراملی است که بر جوامع و اقتصادهای سراسر دنیا تاثیر می‌گذارد. با این حال کلید موفقیت در مبارزه با فساد هنوز منطقه‌ای باقی می‌ماند، زیرا هیچ اقدام بین‌المللی واقعاً به تلاش‌های ضدفساد بومی منجر نمی‌شوند، اگرچه به صورت ملموس و عملی در نیابند. به عبارت دیگر، به رغم تمام نیت و تصمیم‌های خیرخواهانه بین‌المللی که صرف این موضوع می‌شود، اقدامات ضد فساد بطور اجتناب‌ناپذیری به کیفیت حاکمیت ماحلی بستگی دارد. بنابراین لازم است که در سطح حاکمیت محلی به فساد توجه و رسیدگی شود.

چندین دولت MENA، گام‌هایی واقعی برای کاهش فساد برداشته‌اند. به عنوان مثال، مصر تعداد مراحل را که یک سرمایه‌گذار احتمالی باید پشت سر بگذارد از 19 به 3 کاهش داد و بدین ترتیب فرصت‌های رشوه‌خواری را تحت کنترل بیشتری در آورد. مراکش و یمن قوانینی را برای توجه به درآمد و افشاسازی درآمد تصویب نمودند و نهادهای جدیدی را ایجاد کردند که به مبارزه با فساد اختصاص دارند. نهادهای مشابهی در اردن و عراق ایجاد شده‌اند، و اخیراً کویت نیز در حال بررسی ایجاد یک چنین نهادی است. الجزایر قوانین جامع ضدفساد را تصویب نموده و اردن قوانین آزادی اطلاعاتی را پذیرفته است. با این حال کاربرد این اصلاحات و تاثیر واقعی آنها بر شیوه‌های بنگاه‌داری محلی هنوز جای تردید دارد. عاملین واقعی دنیای تجارت غالباً موفق به تبعیت از قوانین نوشته شده جدید نمی‌شوند، چراکه تکثیر کمیسیون‌های ضدفساد برای خیلی‌ها معنایی بیش از یک تغییر دکوراسیون ندارد.

نهایتاً، چه اقدامات بین‌المللی و چه اقدامات بومی در صورتی می‌توانند موثر باشند که تغییر رفتاری موثری را در بین ماموران بخش دولتی و شرکت‌های تجاری ایجاد کنند. بنابراین ایجاد صرف قوانین یا کمیسیون‌های ضدفساد نمی‌تواند مشکل را مرتفع نماید. تغییر ضروری باید عمیق‌تر باشد و حاکمیت و روش‌های بنگاه‌داری را به طور کلی بهبود بخشد. مدیرعامل CIPE جان دی. سولیوان می‌گوید، "اگر چه طراحی و تدوین کدهای قانونی برای مبارزه با رشوه‌خواری مهم است، ولی باید دانست که پرداختن به موضوعات مربوط به محیط مستعد برای عمل نیز به همان اندازه مهم است". بدین ترتیب، تلاش‌ها برای ایجاد حاکمیت قانون، تقویت حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی و بهبود کیفیت قوانین برای اصلاحات ضدفساد، حیاتی هستند.

نیاز ضروری برای اصلاحات

نیاز به اصلاحات ضدفساد و اصلاحات گسترده‌تر حاکمیت در کشورهای MENA به طور خاص در پرتو بحران روبه‌رشد بیکاری نمود پیدا می‌کند. طبق نظر سازمان بین‌المللی کار، میانگین نرخ بیکاری در این منطقه هنوز در دنیا بالاترین می‌انگین است و این وضعیت با توجه به تحول جمعیت‌شناسی موجود ممکن است حتی صورت انفجاری‌تری پیدا کند. نیروی کار منطقه که در سال 2000 بالغ بر 100 میلیون کارگر بود پیش‌بینی می‌شود که تا سال 2020 تا 185 میلیون نفر افزایش یابد. این تعداد فزاینده اصلاحات را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. زیرا کشورهای MENA اگر دولت‌هایشان مسئولیت‌پذیر نباشند و اقتصاد آنها نتواند شغل‌های کافی جدیدی را ایجاد کند خیلی زود با ناآرامی‌های جدی اجتماعی روبه‌رو می‌شوند.

در گذشته کشورهای MENA بر گسترش بخش‌های دولتی خود و دادن مشاغل دولتی با حقوق مناسب به نیروی کار جوان تازه وارد متکی بودند. این امر تحقق یک قرارداد اجتماعی نانوشته بود که در اصل آزادی‌های سیاسی و اقتصادی را به بهای امنیت شغلی معامله می‌نمود. با این حال با توجه به نوسانات جمعیت‌شناختی در این افق، بخش‌های عمومی MENA دیگر ظرفیت جذب هر فردی را که نیازمند کار است ندارند. تشخیص این موضوع که درآمدهای مربوط به مواد هیدروکربنی از بین رفتنی هستند و عرضه سایر رانت‌های بیرونی مانند کمک‌های خارجی می‌تواند موقتی باشد، در برخی از کشورهای منطقه منجر به جستجوی تنوع اقتصادی شده است. اما بخش خصوصی در MENA توسط ایدئولوژی چپ‌گرایان و به واسطه انتصابات ناعادلانه توسط قدرتمندان، برای مدت طولانی دچار تنگنا و محدودیت بود. این مورد دوم حفاظت و حمایت

دولتی از چند شرکت بزرگ دارودسته ای را به همراه داشت که در پی آن اکثریت بزرگی از فعالیت های تجاری بی بهره می ماندند و از پروسه سیاسی کنار گذاشته می شدند . تغییر این الگو و اصلاح ساختاری اقتصادهای منطقه MENA در جهت فساد کمتر و بهره‌وری و تولید بیشتر مستلزم اصلاحات حاکمیتی عمیقی است.

گزارش توسعه انسانی عرب نتیجه‌گیری می کند که "اگر قرار است به فساد پایان داده شود، در بین س ایر اقدامات نظیر اصلاحات اقتصادی عمیق، قوانین و مکانیزم های فعال مسئولیت‌پذیری و حاکمیت شفاف، فقط با اصلاحات ریشه ای و بنیادین در معماری سیاسی است که می توان بر فساد ساختاری غلبه نمود ." بنابراین تقویت پاسخگویی نظام‌های سیاسی MENA باید دست در دست اصلاحاتی به پیش برود که عدم ترس از مجازات را در نخبگان از بین می برند، مشارکت عمومی را در سیاست گذاری افزایش می دهند و بخش خصوصی را تا اندازه ای تقویت می نمایند که دیگر تنها شرکت های محدود دارودسته های خاص ، موتور محرک توسعه و ایجاد شغل نباشند.

علیرغم اصلاحات ناقص و همراه با تأخیر در گذشته، هزینه‌های تأسیس و اداره یک شرکت تجاری در کشورهای MENA هنوز هم بازرانده است . این امر کارآفرینان را به بخش غیررسمی سوق می دهد و حضور سیاسی آنها را انکار می کند . بخش غیررسمی به نوبه خود زمینه مساعدی را برای اخاذی پلیس، بازرسان دول تی و سایر ماموران و متصدیان بخش دولتی ایجاد می نماید . اصلاحات موفق آتی باید این شرایط را تغییر دهند و با ایجاد چارچوب های سازمانی و قانونی شفاف که اقتصادهای منطقه را جامع‌تر و برخوردارتر می سازند و پتانسیل عظیم برای کارآفرینی بومی را آزاد می کنند، از تحول جمعیتی منطقه MENA نهایت استفاده را بنمایند . همچنین اصلاحات باید از سیاست‌های بالا به پایین که توسط حاکمان و تکنوکرات های خارجی دنبال می شوند و به احساس انفصال بین اصلاح طلبان و جامعه دامن می زنند، دوری نمایند . به جای آن، اصلاحات باید مشارکتی باشند و مالکیت گسترده‌تری را در سطوح پایین تضمین کنند.

مبارزه با فساد باعث ایجاد نظام های سیاسی مسئولیت پذیرتری می شود و بوروکراسی‌های دولتی دارای عملکرد بهتری شده و بخش خصوصی انرژی بیشتری می یابد. اقتصاد غیررسمی را کوچک می کند. سرمایه‌گذاری‌ها را جذب می کند و مانع از فرار سرمایه‌ها می شود. به همین خاطر اقداماتی مانند اصول تجاری مقابله با رشوه خواری حیاتی هستند تا بتوان شرکت های تجاری و اقتصادهای منطقه MENA را شفاف تر، کارآمدتر و برخوردار از مدیریت صحیح نمود . برای آنکه این منطقه بتواند از پس چالش کار

جوانان خود برآید، بایستی اصلاحات ضدفساد و اصلاحات حاکمیتی وسیع تر را اولویت اصلی خود قرار دهد.

نتیجه‌گیری:

فساد همچنان به عنوان مسئله‌ای جدی در منطقه MENA باقی است. فساد مانع از رشد اقتصادی شده و موجب اختلال در رقابت، ممانعت از توسعه، تضعیف حاکمیت قانون و اعمال شیوه‌های بنگاه‌داری صحیح می‌شود. رشوه‌خواری یکی از متداولترین شکل‌های فساد است و اگر در نظام سیاسی و اقتصادی کشور وارد شود آسیب‌های جدی را موجب می‌شود. وقتی فساد در تمام جنبه‌های تعامل بین جامعه تجاری و دولت وارد شود، از خریدهای دولتی گرفته تا صدور مجوزهای معمول، این معضل صوری ساختاری به خود می‌گیرد. این همان موردی است که در MENA روی داده است.

در حالی که اقدامات ضد فساد گذشته در منطقه غالباً بر از صحنه خارج کردن مسوولان فاسد متمرکز بوده است، اغلب آنها چیزی بیشتر از یک عرض اندام تبلیغاتی و رسانه‌ای نبوده‌اند. معنادارتر و همچنین سخت‌تر آنست که اصلاحات سازمانی بایستی ساختارها و سازوکارهای ترغیبی و تشویقی ایجاد نمایند که به شفافیت پاداش دهند و مسئولیت‌پذیری را تقویت کنند. لازم است دولت‌ها دریابند که نمی‌توانند مشکل فساد ساختاری را به تنهایی حل کنند. همان‌طور که رییس سازمان شفافیت بین‌المللی هوگوئت لابل مطرح می‌کند، "دولت‌ها کلید ایجاد تعهدات خوب برای مبارزه با فساد هستند. اما دولت‌ها به تنهایی مسئولیت ندارند. ما نیازمندیم که شاهد اقدامات متحد و یکپارچه از طرف بخش خصوصی و جامعه مدنی باشیم."

جامعه تجاری در مبارزه با رشوه‌خواری دارای اهمیت خاصی است. ابزاری مانند اصول تجاری مقابله با رشوه‌خواری این نقش را تشخیص داده‌اند و به سختی تلاش می‌کنند تا با متصل کردن دو سوی عرضه و تقاضای رشوه‌خواری باعث ایجاد تحول در سطحی بشوند که دربرگیرنده کل نظام باشد. اگر شرکت‌های تجاری عملکردهای خود را به گونه‌ای بهبود بخشند که خطرات ناشی از ارتکاب رشوه‌خواری افزایش یابد و انگیزه‌های درگیر شدن در آن کاهش یابد، فرهنگ امانت‌داری می‌تواند به تدریج ریشه بدواند. طرح رشوه‌خواری به عنوان یک مشکل سازمانی که از طریق روش‌های صحیح‌تر بنگاه‌داری می‌توان به آن پرداخت، هم‌چنین کمک می‌کند تا آن را از حیطة اصول اخلاقی که در بسیاری از فرهنگ‌ها یک ممنوعیت به شمار می‌آید، خارج ساخت.

به خاطر داشتن این موضوع مهم است که فساد در MENA یک مشکل مجزا و مستقل نیست. در واقع فساد از معایب سازمانی نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک منطقه و اقتصادهای تحت سیطره دولت ناشی شده است. اقتصادهای MENA به جای اتکا به بهره‌وری و تولید داخلی، براساس جریان‌های غیرشفاف رانت‌ها بنا شده‌اند، و

حاکمیت در MENA براساس وفاداری‌های شخصی به نخبگان حاکم شکل گرفته است تا بر اساس وفاداری به حاکمیت قانون. بنابراین، برای رسیدگی مؤثر به معضل فساد لازم است که اصلاحات عمیق‌تر بطور همزمان در فضاهای سیاسی و اقتصادی پیگیری شوند. کشورهای MENA بایستی به بخش‌های خصوصی اقتدار لازم را ببخشند تا آنها، نه فقط در تلاش‌های ضدفساد، بلکه در ایجاد حاکمیت دموکراتیک بهتر و تشکیل اقتصادهای مبتنی بر بازار در سراسر منطقه مشارکت فعال داشته باشند.

آنا نادگرودکیویز مدیر برنامه‌های جهانی مرکز بین‌المللی تجارت خصوصی می‌باشد. وی دارای مدرک فوق‌لیسانس زبان آلمانی و مطالعات اروپایی از دانشکده امورخارجہ ادموند ا. والش در دانشگاه جرج تاون است.

نظرات مطرح شده توسط نویسنده این مقاله نظرات شخصی وی می‌باشد و لزوماً بیانگر نظرات مرکز بین‌المللی تجارت خصوصی (CIPE) نیست. چاپ دوباره، ترجمه و/یا انتشار اصل این سری از مقالات از نظر CIPE بلامانع است به شرط آنکه: 1. نام نویسنده اصلی و مرکز بین‌المللی تجارت خصوصی به عنوان منبع ذکر شود و 2. به CIPE اطلاع داده شود که مقاله مورد نظر در کجا استفاده شده و یک نسخه از آن به دفتر CIPE در واشنگتن ارسال شود.

مرکز بین‌المللی تجارت خصوصی (CIPE) از طریق شرکت‌های تجاری خصوصی و اصلاحات بازار محور به تحکیم و تقویت دموکراسی در سراسر جهان مبادرت می‌ورزد. مرکز بین‌المللی تجارت خصوصی (CIPE) یکی از چهار مؤسسه اصلی بنیاد ملی دموکراسی و یک سازمان غیرانتفاعی وابسته به اتاق بازرگانی ایالات متحده می‌باشد.